

قهرمان کربلا

خواهر غمدیده شاه شهیدان، زینب است
دختر پاک و غیور شاه مردان زینب است
آن زن والا گهر، آن قهرمان کربلا
پاسدار کودکان و هم اسیران زینب است
گرچه جوربی شماری، دیده است آن قهرمان
دست گیر ناتوان و مستمندان، زینب است
چهار طفلش شد شهید راه حق در کربلا
کس ندیده بهر طفلان، چشم گریان زینب است
گر حسین جاننش فدای راه جانان کرده است
لیک اهداف حسینی را، سخن ران زینب است
آنکه داغ شش برادر، دیده است در نینوا
کرده صبر و هم نموده، شکر یزدان زینب است

در اسیری و سفر، از کربلا تا شهر شام
گاه پیاده گه سوارِ ناقهٔ عریان زینب است
بر سر نیزه چو دیدی، رأس پر خون حسین
سر بمحمل زد که خورش شد بجریان زینب است
در جوانی شد خمیده، قامت آن دخت شاه
زانکه شد مسکن گزین در کنج ویران زینب است
چو بخیزران یزید، کامد به لب های حسین
از جفاکاری دهر دون، پریشان زینب است
از سخن رانی خود، بی بی به دربار یزید
پایه های ظلم وی بنموده، ویران زینب است
گر خدا بخشد به محشر، حیدری را از کرم
نیست جای شبهه، چون از دوستان زینب است

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۶ نو فمبر ۲۰۰۳ دیتروت، امریکا